

■ **محمدرضا کائینی**

پیر سیدمویی که ششماه از مبارزات ۷۰ سال اخیر ملت ایران در دستیابی به استقلال و آزادی از زبان وی روایت شده است، این روزها در بستر بیماری است. انتشار این گفت و شنود- که در سالیان گذشته انجام شده است- را به دونیت به انجام رساندم. اول آشنایی همگان به ویژه نسل جوان با تاریخچه نهضت ملی و دوم تجلیل از مکاتبت مبارزاتی دکتر عباس شیبانی. امید می‌برم که انتشار این سندن تاریخی، هر دورا محقق سازد.

■ ■ ■

ضمن تشکر از جنابعالی که پذیریای این گفت‌وگو شدید، مناسب است که در آغاز سخن بفرمایید از کدام مقطع وارد فعالیت‌های سیاسی شدید و ویژگی‌ها و مختصات سیاسی آن مقطع چه بود؟

بسم الله الرحمن الرحیم. قبل از هر چیز به این نکته اشاره کنم که به‌رغم آنکه بنده از بدو شروع فعالیت‌های سیاسی مسائل زیادی دیده‌ام اما در مقطع حاضر حافظه تاریخی چندانی ندارم. علی‌الخصوص خاطرات که بعضاً به‌شکل ناگهانی و با یک جرعه به ذهن می‌آیند اما با این همه امیدوارم مطالبی که در این فرصت عرض می‌کنم مفید باشد. بنده از سال‌های پس از شهریور ۲۰ علی‌الخصوص نیمه دوم دهه ۲۰ و با اینکه هنوز سنی از من نگذشته بود، وارد جریانات سیاسی کشور شدم. در آن مقطع با توجه به اینکه محمدرضا شاه تازه از سوئیس بازگشته بود و موقعیت منزلی‌ل داشت، به دلیل ضعف و بر اساس توصیه کارشناس غربی، آزادی‌هایی داد که جنبه مقطعی داشت و استمرار پیدا نکرد. از جمله رویدادهای این مقطع تا قبل از مطرح شدن فکر ملی شدن نفت، غائله آذربایجان و ایجاد حکومت خودمختار در آنجا توسط «غلام یحیی» و «پیشه‌وری» با حمایت شوروی در سال ۲۴ و اقدامات نخست‌وزیر وقت در مذاکره با استالین و برداشتن حمایت آن دولت از گردانندگان غائله و رفتن ارتش ایران به آذربایجان و نیز تیراندازی به شاه در بهمن ۲۷ و همچنین غیرقانونی شناختن حزب توده و سرانجام دادن مجوز بازگشت آیت‌الله کاشانی از تبعید لبنان، بود. در دوران نهضت نفت، من دانشجوی دانشکده فنی تهران بودم که پس از آن به دانشکده پزشکی رفتم. البته در آن موقع جبهه ملی فعالیت قابل توجهی در دانشگاه نداشت و دانشگاه‌ها بیشتر در قبضه طرفداران حزب توده بود.

قبل از ورود به تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به نهضت ملی بفرمایید که به چه دلیل این نهضت ضداستعمار است به نام «نهضت نفت» معرفی شد، آیا رهبران این نهضت بر این باور بودند که نفت محمل نفوذ و استعمار انگلستان است؟

بله. استعمار انگلستان همیشه در هر کشوری از یک راه خاص وارد می‌شد و نفوذ خود را گسترش می‌داد. در ایران هم انگلستان از طریق شرکت نفت حاکمیت پیدا کرده بود. همه می‌دانستند که ملی کردن نفت باعث می‌شود تا دست آنها از ایران کوتاه شود.

اندیشه ملی شدن نفت از کجا آغاز شد و به لحاظ نظری و علمی چگونه تکوین پیدا کرد؟

ابتدا سخن از تأمین حقوق ملت ایران در شرکت نفت مطرح بود و در مجلس از آن بحث می‌شد. سپس ملی شدن نفت در سراسر کشور طرح شد. در آن مقطع توده‌ای‌ها در پی آن بودند که نفت شمال را به شوروی بدهند و از همین رو می‌گفتند ملی شدن نفت در جنوب کشور باشد تا بتواند حمایت روس‌ها را در مواجهه با انگلیسی‌ها داشته باشیم و حال آنکه مشخص بود این جز پهنه‌ای برای تأمین منافع شوروی نیست. به هر حال در کمیسیون نفت، ملی شدن نفت در سراسر کشور تصویب شد. دکتر مصدق در آن مقطع پیشنهاد کرد پرداخت غرامت به کشورهای بهره‌بردار ی‌کننده از نفت، در قانون ذکر شود که این مسئله موجب ناراحتی ما و خیلی از علاقه‌مندان به نهضت نفت شد. «مهمی می‌گفتند انگلیس ملت‌ها نفت ما را غارت کرده حالا باید غرامت هم بدهیم. البته این مسئله عملاً به نفع نهضت ملی تمام شد چراکه پس از ملی شدن نفت، انگلیس به دیوان لاهه شکایت کرد. قاضی رأی داد که ملی کردن نفت منافع ملی است و پرداخت غرامت در قانون ذکر شده، پس مصادره نیست. پس از اعلام ملی شدن نفت، شرکت نفت از اجرای این قانون خودداری می‌کرد تا اینکه قانون خلع بد هم تصویب شد. برای انجام این کار هیئتی به آبدان اعزام شد که در آنجا با وجود گرمای شدید هوا استقبال شایانی از این هیئت شد. انگلیسی‌ها اول اعتنای چندانی به این هیئت نمی‌کردند. مهندس بازرگان در جلسهای که هیئت خلع بد را رئیس شرکت انگلیسی داشت جای او را در میز ریاست اشغال کرد در نتیجه انگلیسی‌ها متوجه شدند که ظاهرآ کار تمام است. آنها بلافاصله همه کارشناسان خود را به بصره بردند تا کار بهره‌برداری بکنند اما با کمک مهندسیین ایرانی پایلایشگاه آبدان شروع به کار کرد و حتی یک دستگاه هم (پیت ۷) که نصب نشده بود را راه‌اندازی کردند. پس از شکست این ترفند انگلیسی‌ها مانع خرید نفت ایران تا تأمین کند و به صادرات دیگر شدن حتی گشتی روزماری را که محموله نفت برای ایتالیا می‌برد، در بندر عدن توقیف کردند. دولت در آن موقع برنامه اقتصاد بدون نفت را مطرح کرد و قرار بود پایلایشگاه گرماتشاه نفت داخلی را تأمین کند و به صادرات مواد غیرنفتی رو آوردند. در واقع این تنها دوره‌ای بود که واردات و صادرات توازن پیدا کرد.

قبل از تحقق ملی شدن نفت، ما شاهد هستیم که تمامی جریانات ذی‌سهم‌اعم از مصدق و جبهه ملی، آیت‌الله کاشانی و فدائیان اسلام با وحدت و هماهنگی در راه نیل به هدف مشترک تلاش می‌کردند.

■ **محمدرضا کائینی**

پیر سیدمویی که ششماه از مبارزات ۷۰ سال اخیر ملت ایران در دستیابی به استقلال و آزادی از زبان وی روایت شده است، این روزها در بستر بیماری است. انتشار این گفت و شنود- که در سالیان گذشته انجام شده است- را به دونیت به انجام رساندم. اول آشنایی همگان به ویژه نسل جوان با تاریخچه نهضت ملی و دوم تجلیل از مکاتبت مبارزاتی دکتر عباس شیبانی. امید می‌برم که انتشار این سندن تاریخی، هر دورا محقق سازد.



■ **«نهضت ملی ایران، رویداد ۲۸ مرداد و پیامدهای آن» در گفت و شنود با دکتر عباس شیبانی**

هیچ‌یک از رهبران در ۲۸ مرداد مردم را به مقاومت دعوت نکردند!

■ **اما پس از انجام این خواست عمومی، شکاف‌های عمیق میان این جریانات خود را نشان داد. از دید جنابعالی علت این امر چیست؟**

درست است که اینها همه می‌خواستند آرمان ملی شدن نفت تحقق پیدا کند اما هر یک از این طیف‌ها رسیدن به این هدف را برای نیل به مقصود خودشان می‌خواستند و طبیعی بود که همین تفاوت هدف، اختلاف ایجاد کند. مثلاً هدف مرحوم نواب از مشارکت در این نهضت، برقراری حکومت اسلامی بوداما مصدق چنین قولی نمی‌توانست بدهد چراکه اصلاً در این عوالم نبود. او اصلاًاسلام‌رامی شناخت؛ در سوئیس تحصیل کرده و دموکراتمنش بود و تیپ مبارز و انقلابی نداشت. ایده او این بود که در این مقطع مبارزه با استعمار انگلیس تا آخرین مرحله و تحقق کامل استقلال اقتصادی اولویت دارد. اما مرحوم نواب معتقد بود برقراری حکومت اسلامی منافاتی با این اهداف ندارد بلکه برقراری حکومت اسلامی این اهداف به شکل مطلوب‌تری جامه عمل می‌پوشد. در آن مقطع مرحوم کاشانی هم به‌رغم اینکه یک عالم دینی آزاده بود و طبعاً به اجرای احکام اسلام اعتقاد داشت، اما در اولویت داشتن مبارزه با انگلیس، با مصدق موضع واحد داشت. یکی از فامیل‌های ما نقل می‌کرد که با عده‌ای از خانم‌ها خدمت مرحوم کاشانی رفتیم که آقا چرا حکومت اسلامی ایجاد نمی‌کنید؟ کاشانی گفته بود ما الان با انگلیس‌ها جنگ داریم و هیچ کار دیگری نمی‌کنیم. البته این مسئله را هم نمی‌توان از نظر دور داشت که در آن دوران فرهنگ مذهبی قوی و قدرتمندی هم حاکم نبود و همه می‌دانستند که وجود چنین فرهنگی پشتوانه ایجاد حکومت اسلامی است. از طرفی میان مصدق و کاشانی هم به لحاظ برخی اقدامات و تصمیمات سیاسی مصدق اختلاف وجود داشت. کاشانی می‌پسندید که دولت متمرکز مصدق و تضعیف مجلس از ناحیه او مخالف بود و اعتقاد داشت اگر مجلس نداشته باشیم یا مجلس تضعیف شود، امکان وقوع کودتا وجود دارد و مصدق با تضعیف مجلس به نهضت ملی و خودش ضربه می‌زند. البته این موضع کاشانی به یک اعتبار صحیح بود و از یک جهت هم این مشکل وجود داشت که نفعی از آن مجلس عاید دولت نمی‌شد.

جنابعالی نقش جمعیت «فدائیان اسلام» را در پیشبرد اهداف نهضت ملی تا چه حد مؤثر ارزیابی می‌کنید؟

فدائیان اسلام با اعدام انقلابی رزم‌آرا راه را برای ملی شدن نفت هموار بکنند. اگر کشتن رزم‌آرا را اقدامات انقلابی شهید نواب صفوی نبود، شاید دولت مصدق اصلاً بر سر کار نمی‌آمد چه برسد به اینکه نفت ملی شود. بعضی افراد که الان به اینها نسبت خشونت می‌دهند، توجهی به شرایط آن مقطع و دیکتاتوری شاه و نفوذ قدرت‌های بزرگ در ایران ندارند یا عمداً تحریف می‌کنند و غرض‌مند هستند. مرحوم نواب آدم بسیار فداکار و محکمی بود و بی‌با ناذف و مؤثری داشت و به لحاظ جاذبه‌ای که داشت در روحیه عموم مردم به خصوص جوانان خیلی تأثیر می‌گذاشت. وقتی در مقطع نخست‌وزیری مصدق به زندان افتاد روزی ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر به دیدار او در زندان می‌رفتند. کسان دیگری بودند که در نهضت نفت شرکت داشتند و در سیاست فعال بودند اما آدم‌های درستی نبودند اما نواب و واحدی‌ها و طهماسبی انسان‌های بسیار پاک و دلسوزی بودند.

عاریچ

کفتوگو ۸۸۴۹۸۴۹۹



۲۸ مرداد ۱۳۳۲. تظاهراتی از جنگ و گریز مردم مبارک‌نوجانان در برابر دانشگاه تهران

■ **بختیار قشون خودش را از کرمانشاه به قزوین آورده بود و می‌خواست با حمله نظامی، تهران را بگیرد. با توجه به اینکه این مسئله می‌توانست به کشتار زیاد مردم منتهی شود و همچنین خطر اینکه ممکن بود با حمایت روس‌ها افسران توده‌ای حکومت را به دست بگیرند، در ۲۸ مرداد هیچ‌یک از بزرگان ملی اعلامیه‌ای دایر بر مقاومت مردم صادر نکرد و طبیعتاً مردم هم به میدان نیامدند**

شبنامه‌ای می‌داد که با پول اعضا و در منزل ما تکثیر می‌شد. در همین برهه بود که برای اداره شرکت نفت کنسر سسومی مرکب از انگلیس، امریکا و کشورهای دیگر تشکیل شد. نهضت مقاومت در اعتراض به این مسئله جزوهای منتشر کرد و اعلام کرد این کار خلاف قانون ملی شدن نفت است. این اعتراض‌نامه به امضای آیت‌الله فیروزآبادی و عده‌ای از اساتید دانشگاه افراد شناخته شده رسید. شاه خیلی عصبانی شد و دستور داد آن دسته از اساتید دانشگاه که این اطلاعیه را امضا کرده‌اند، اخراج شوند. رئیس وقت دانشگاه که دکتر سیاسی بود زیر بار نفرت و ناگزیری وزیر فرهنگ وقت این کار را انجام داد و آنها را منتظر خدمت کرد. این اسنادان که تعدادشان ۱۱ نفر بود بعدها شرکت «یاد» را که عنوان آن مخفف «بازده استاد اخراجی دانشگاه» بود، تشکیل دادند.

خاطره دیگری که از ایام فعالیت در نهضت مقاومت عرض می‌کنم این است که در سال ۳۹ که کندی فشار آورده بود در ایران آزادی‌هایی داده شود، شاه اعلام کرد انتخابات آزاد است. قرار شد با جمعی از دوستان نهضت مقاومت به سراغ سران جبهه ملی برویم و از آنها بخواهیم تا با حرفی که شاه زده فعالیتت را شروع کنند. با برخی از چهره‌ها از جمله الهیار صالح، دکتر ملکی وزیر بهداری مصدق، باقرخان اطعمی و وزیر خارجه و شاهپور بختیار و برخی دیگر که گفت‌وگو کردیم، تا حدی تحرک پیدا کردند. ابتدا قرار شد جلسات عمومی سخنرانی در

خواست خودشان را عملی کنند. اما بعد از اینکه میان مرحوم کاشانی و مصدق کدورت ایجاد شد و رهبران نهضت از هم جدا شدند، زمینه وقوع کودتای ۲۸ مرداد به وجود آمد…

■ **به هر حال هنوز جای این سؤال باقی است که چه شد که مردمی که ۱۴ ماه قبل در ۳۰ تیر آنچنان در حمایت از مصدق و نهضت ملی به صحنه آمدند نسبت به کودتای ۲۸ مرداد واکنشی نشان ندادند؟**

اختلاف میان رهبران نهضت و وضعی که از بابت آن بر نهضت تحمیل شد، موجب شد تا در روز ۲۸ مرداد مردم متحیر باشند که چه باید بکنند. همه ما باید در این مقطع توجه داشته باشیم که در شرایط وجود اختلاف، مدیریت بحران‌ها کار بسیار مشکلی است. علاوه بر این کودتای ۲۸ مرداد یک کودتای نظامی بود. بختیار قشون خودش را از کرمانشاه به قزوین آورده بود و می‌خواست با حمله نظامی، تهران را بگیرد. با توجه به اینکه این مسئله می‌توانست به کشتار زیاد مردم منتهی شود و همچنین خطر اینکه ممکن بود با حمایت روس‌ها افسران توده‌ای حکومت را به دست بگیرند، در ۲۸ مرداد هیچ‌یک از بزرگان ملی اعلامیه‌ای دایر بر مقاومت مردم صادر نکرد و طبیعتاً مردم هم به میدان نیامدند. پس از کودتا هم فقط مرحوم نواب صفوی به عنوان مقاومتی بر ضد کودتا کار مسلحانه کرد ولی پس از مدتی اختفا دستگیر شد و به شهادت رسید. مرحوم کاشانی هم در این مقطع خیلی نترزی شده بود و دیگر کسی را در اطراف خود نداشت. خاطرم هست که در زندان شخصی با ما هم‌بند بود که به «رضا دوعی» معروف بود. او در چهارراه مولوی دوعی می‌فروخت. تعریف می‌کرد دوعی‌هایی را که می‌فروختم- از پولش قند و چایی می‌گرفتم و شب می‌بردم منزل آقای کاشانی تا این چند نفری را که آنجا می‌آیند، جای بدهم. آیت‌الله کاشانی اواخر این‌قدر نترزی شده بود.

■ **مخالفت‌شان تنها به این علت بود یا ترس هم داشتند؟**
بله بخش قابل توجهی از آنها واقعاً می‌ترسیدند و جرات هیچ‌گونه ریسکی را نداشتند و این کارهای ما را تدروسی می‌دانستند. به هر حال در روز تظاهرات خودم بالای یک وانت رفتم و صحبت کردم و اعلامیه تحریم انتخاباتی را خواندم. هدفم این بود که ناکتبی به افکار عمومی بدهم تا ترس مردم بریزد و دوباره به میدان بیایند.

■ **البنه عمال رژیم مانع شرکت و حضور ملیون در انتخابات شدند و در آن روز درگیری‌هایی به وجود آمد. به عنوان نمونه شعبان بی‌مخ با چاقو به عبدالله گرمی که یک قصاب طرفدار مصدق بود حمله کرد…**
بله اینها با این دروغ‌پردازی‌ها بیشتر جوان‌ها را هدف گرفته‌اند که این صحنه‌ها را ندیده‌اند. در همان جریان‌ی که عرض کردم عوامل رژیم شاه مانع حضور ملیون در انتخابات می‌شدند. در روز انتخابات عبدالله گرمی که به نهضت

■ **چگونه می‌توانست «لی» چگونه شکل گرفت و در فضای پس از کودتا به چه فعالیت‌هایی دست زد؟**

چیزی از کودتای ۲۸ مرداد نگذشته بود که افراد و احزاب ملی گردهم آمدند و نهضت مقاومت ملی دایر شد. مرحوم حاج آقا رضا زنجانی و مهندس بازرگان و دکتر سبحانی و عده‌ای دیگر و احزابی مثل حزب ایران، نیروی سوم در این قالب دور هم جمع شدند. البته کم‌کم غیر مذهبی‌ها و لیبرال دموکرات‌ها کنار کشیدند و فقط در مبارزات، ما مذهبیون باقی ماندیم. این حرکت پایگاه اجتماعی قابل توجهی پیدا نکرد و تنها گهگاه اعلامیه و

جوان

■ **ملی و مصدق علاقه داشت با این اوباش درگیر شد که شعبان بی‌مخ با نوچه‌های خودش، چاقو به دست به او حمله کردند و حتی با چاقو به سر او زدند.**

■ **بعنایت به اینکه شما از عناصر دخیل در تأسیس نهضت آزادی و مسئول کمیته دانشجویی این تشکل بوده‌اید، لطفاً قدری از انگیزه و کیفیت تشکیل این گروه برای ما و خوانندگان بگویید.**

در آغاز ایجاد تشکلی مستقل از جبهه ملی مورد نظر ما نبود بلکه ما می‌خواستیم در درون جبهه یک فراکسیون مذهبی ایجاد کنیم. قبل از تشکیل نهضت آزادی، مهندس بازرگان از سوی نهضت مقاومت در جلسات جبهه ملی شرکت و دیدگاه‌ها ما را بیان می‌کرد. بارها در آن جلسه به او گفته بودند شما هم مثل دیگران تشکلی ایجاد کنید و رسماً نظرات خود را بیان کنید. البته بازرگان با جبهه ملی اختلاف مهمی در روش مبارزه نداشت. مذهبی‌تر از آنها بود ولی جبهه ملی به مذهب اعتنا نداشت. به هر حال فکر تأسیس نهضت آزادی به این شکل نضج گرفت و بالاخره در یکی از جلسات نهضت مقاومت ملی که مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، نیکومتش، رحیم عطایی، عباس سمیعی، عباس رادنی‌ا و عده‌ای دیگر حضور داشتند بنا شد مرانامه و اساسنامه نهضت آزادی نوشته شود. بالاخره در منزل پسر آیت‌الله فیروزآبادی تشکیل نهضت آزادی اعلام شد و گفتند با همکاری خود بسا جبهه ملی ادامه می‌دهیم اما بلافاصله گروه‌هایی که مایل نبودند یک تشکیلات مذهبی در کنار جبهه ملی فعالیت کند، اعلام کردند که اینها از جبهه اشعبا جدا شدند.

■ **آیا آیت‌الله طالقانی هم در نهضت آزادی عضویت داشت؟ این سؤال را از این جهت می‌پرسم که مروری بر دیدگاه‌های ایشان نشان می‌دهد که اندیشه ایشان با تفکر مسلط بر نهضت که همان تفکر مهندس بازرگان بود، تفاوت‌هایی داشته است.**

■ **آقای طالقانی دیدگاه رادیکال علیه شاه و سلطنت داشت. با نواب صفوی هم خوب بود. طالقانی از نظر سیاسی و مبارزاتی بسیار عمیق‌تر و تندتر از بازرگان بود و در محدوده تشکیلات نهضت آزادی هم عمل نمی‌کرد و با بسیاری از گروه‌ها و شخصیت‌های مبارز که در محدوده نهضت آزادی هم نمی‌گنجیدند ارتباط و تعامل نزدیک داشت که نمونه‌اش دوستی با فدائیان اسلام و نواب صفوی بود که عرض کردم. بر همین اساس نمی‌توان ایشان را یک فرد نهضتی دانست.**

■ **آیا تفاوت‌های فکری میان عناصر عضو نهضت آزادی در مقطعی خاص و مثلاً متأثر از وقوع یک حادثه خودش را نشان داد یا خیر؟**

نهضت آزادی از دو طیف معتقد به اصلاحات در چارچوب قانون اساسی رژیم شاهه و طیف معتقد به مبارزه قاطع برای سرنگونی رژیم شاه تشکیل پیدا کرد. مثلاً در جریان قیام تارخیم ۱۵ خرداد این دو گرایش تا حدی خودش را نشان داد. ما این رویداد را یک قیام مردمی می‌دانستیم و بعضی از دوستان ما جمله آقای جلال‌الدین فارسی اعلامیه بسیار قاطع و تندتی با عنوان «دیکتاتور خون می‌ریزد» را در خارج از زندان منتشر کردند ولی جبهه ملی و برخی اعضای نهضت آزادی نیز صریحاً مخالف قیام ۱۵ خرداد بودند و آن را شورش عده‌ای نادان بر علیه اصلاحات امریکا توصیف می‌کردند. برخی متدبیین و کسانی که بعداً مؤتلفه اسلامی را تشکیل دادند، در آغاز عضو نهضت آزادی بودند که پس از آن روی دادن چنین وقایعی و آشکار شدن شکاف‌ها از آن جدا شدند.

■ **در جریان شکل‌گیری نهضت اسلامی و ادامه آن نهضت آزادی چه جایگاهی در میان مردم داشت و از چه میزان وزن برخوردار بود؟**

■ **نهضت آن طور که باید در میان مردم نفوذ نداشت. البته قیامی که عده از عناصر مبارز در میان ما بودند اما از فعالیت‌هی همه‌گیر برخوردار نبود. بعد از سال ۴۲ هم به موازات گسترده شدن مبارزات و ظهور برخی گروه‌های مبارز فعالیت نهضت رو به افول رفت و تقریباً از اوضاع عقب‌افتاده بود و تأثیر چندانی نداشت.**

■ **از ۲۸ مرداد سخن گفتیم؛ روزی که دولت استعمارگر امریکا حکومتی دست‌نشانده و فاسد را بر ملت ایران تحمیل کرد. امروزه در سالگرد این رویداد تاریخی بار دیگر شاهد تهدیدات و تمهیدات این کشور در راستای تحمیل اراده و قیموتمت خود بر ملت ایران هستیم. ارزیابی شما از این تهدیدات و فرجام آن چیست؟**

■ **امریکا از هر رژیمی که منافعت را حفظ کند، حمایت می‌کند. طبیعی است که چون نظام جمهوری اسلامی در برابر زورگویی و باج‌گیری او ایستاده است با ما مخالفت و علیه ما توطئه کند. باید گفت واقعاً خامی است که سرمدمداران امریکا تصور کنند می‌توانند دوباره تجربه ۲۸ مرداد را در ایران تکرار کنند. تا زمانی که حمایت الهی و یکپارچگی ملت هست، نه امریکا و نه هیچ قدرت دیگری نمی‌تواند پایه‌های نظام اسلامی را سست کند.**